



و شهر مائمه

يوم الله ١٣ آبان



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی

اگر دانشجویان لانه جاسوسی را تسخیر نمی‌کردند، چه می‌شد؟

در ۲۲ بهمن، آخرین میخ بر تابوت رژیم پهلوی کوبیده می‌شود، انقلاب اسلامی به پیروزی می‌رسد و حالا، سفارت ایالات متحده در تهران، باید به دنبال برنامه جدید خود در ایران بدون شاه باشد.

بین ۱۳ آبان سال ۱۳۵۷ تا ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸، ایران شاهد وقایع متعدد، مهم و تأثیرگذاری است؛ جریان انقلاب اسلامی که پس از واقعه ۱۷ شهریور، وارد مرحله جدیدی شده، شتاب مضاعفی پیدا می‌کند.

اما آیا برقراری ارتباط با دولت جدید ایران امکان دارد؟ آیا آمریکایی‌ها می‌توانند نفوذ و منافع گسترده خود را در ایران حفظ کنند؟

سرعت وقوع رویدادها آن قدر زیاد است که قدرت پیش‌بینی را از قدرتمندترین نهادهای اطلاعاتی جهان می‌گیرد؛ آن‌ها نمی‌توانند قریب‌الوقوع بودن پیروزی انقلاب اسلامی را پیش‌بینی کنند.

آیا شرایط موجود در کشور، می‌تواند خواسته‌های کاخ سفید را محقق کند؟ کدام گروه‌ها قابل سرمایه‌گذاری هستند؟ کدام جریان‌ها می‌توانند آب را به آسیاب سفارت بریزند؟

سفارت آمریکا هنوز امیدوار است که بتواند شاه را نگه دارد؛ مأموران سیا وضعیت محمدرضا پهلوی را باثبات توصیف می‌کنند؛ اما وقتی بعد از کشتار گسترده مقابل دانشگاه تهران در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۷ و در پی آن، آغاز ماه محرم و تداوم اعتراضات، حجم مخالفت‌ها با رژیم پهلوی از نقطه قابل کنترل عبور می‌کند و شاه، رسماً وادار به عقب‌نشینی می‌شود، شک و تردیدهایی درباره صحت آن‌چه پیشتر ادعا شده بود، به وجود می‌آید.

این‌ها همه مسائلی است که پیش‌روی مستأجران کاخ سفید قرار دارد؛ کارتر و مشاورانش باید بتوانند از این آب گل‌آلود ماهی بگیرند.

۱۴ دی ماه سال ۱۳۵۷، ژنرال هایزر وارد ایران می‌شود تا ارتش را برای یک کودتای گسترده و کشتار میلیونی مخالفان آماده کند، اما این کار عملاً امکان ندارد.

اما یک اتفاق، همه چیز را متوقف می‌کند؛ روز ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸، درست در سالگرد آن کشتار وحشیانه و گسترده که شتاب مضاعفی به روند انقلاب داد، دانشجویان در اعتراض به قبول شاه در آمریکا و تأکید بر پس دادن وی به ایران برای محاکمه، مقابل سفارت آمریکا تجمع کردند و ساعتی بعد، جایی که به لانه جاسوسی شهرت داشت، توسط آن‌ها تسخیر و همه چیز به یک‌باره دستخوش تغییر شد؛ درک این موضوع، بدون آگاهی از شرایط آن روزگار و پشت پرده رفتارهای سفارت آمریکا در تهران، ممکن نیست.

شاه در ۲۶ دی ماه از ایران می‌گریزد و سفارت ایالات متحده، بیمناک از شرایط تداوم حضورش در ایران، تا آخرین لحظات از بقای رژیم سلطنتی دفاع می‌کند؛ اما

امروز، در سالروز واقعه ۱۳ آبان، که در آن دو رویداد مهم تاریخ انقلاب اسلامی رقم خورده است، برای دانستن

جواد منصوری دیدگاهی مشابه مسعود رضایی دارد؛ او می‌گوید: «واقعۀ ۱۳ آبان ۱۳۵۷، در واقع به معنای عدم مشروعیت و مقبولیت رژیم پهلوی در میان مردم بود؛ چراکه حتی نوجوانان نیز دیگر حاضر به تحمل این رژیم نبودند و برای ساقط کردن آن تا پای جانشان ایستادند.»

منصوری تصریح می‌کند: «شاه به این باور رسیده بود که باید در کشور کشتار به راه بیندازد تا مردم را وادار به عقب‌نشینی کند؛ اما این اقدام نتیجه عکس داد.»

این خود شاه بود که چند روز بعد از واقعه ۱۳ آبان، رسماً و در قالب بیانیه‌ای، اعلام کرد که انقلاب ایران در حال پیروزی است و به صراحت آن را انقلاب مردم نامید و مدعی شد که این انقلاب را درک کرده‌است.

اما عموم ملت ایران، با آن کارنامه سیاهی که رژیم پهلوی داشت، این اقدام را یک فریب سیاسی و ناشی از ضعف محمدرضا پهلوی دانستند؛ موضوعی که البته کاملاً صحت داشت.

آغاز ماه محرم، مدتی بعد از این رویداد و خب، بالا گرفتن احساسات شهادت‌طلبی در جامعه، بر حجم تأثیر واقعه ۱۳ آبان ۱۳۵۷ افزود و در واقع باعث بالا گرفتن اعتراضات و گسترش سریع آن‌ها در کشور شد.»

چگونه به ۱۳ آبان ۵۸ رسیدیم؟

از واقعه ۱۳ آبان سال ۱۳۵۷ و رویدادهای پس از آن که به پیروزی قاطع مردم در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انجامید، عبور می‌کنیم و به رویدادهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌رسیم؛ یک سال بعد از آن کشتار وحشیانه، ماجرای تسخیر لانه جاسوسی اتفاق افتاد؛ چرا چنین

بیشتر درباره آن چه مورد اشاره قرار گرفت، به سراغ گفت وگوی روزنامه همشهری با دو کارشناس رفته‌ایم.

دکتر جواد منصوری، پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آبان ۱۳۵۸ و دکتر مسعود رضایی، مورخ و پژوهشگر تاریخ معاصر و نویسنده کتاب «سیاست و تاریخ معاصر ایران».

۱۳ آبان ۵۷؛ نقطه عطف انقلاب

بحث را با واقعه ۱۳ آبان ۱۳۵۷ و شهادت جمع کثیری از دانش‌آموزان و دانشجویان، مقابل دانشگاه تهران آغاز می‌کنیم.

مسعود رضایی، این واقعه را بخشی از مسیر کلی آغاز و پیروزی انقلاب اسلامی می‌داند؛ او می‌گوید: «در آبان ۵۷، تظاهرات و اعتراضات به اقدامات رژیم پهلوی افزایش یافت و اصلاً جنبه عمومی به خودش گرفت.»

همه مردم، از هر طبقه و گروه، وارد مبارزه شده بودند و تقریباً تمام جریان‌های سیاسی به این باور رسیدند که اصلاح و تغییر در رژیم پهلوی امکان ندارد.

ورود دانش‌آموزان به این عرصه، در واقع بر بستر همان مسیر کلی صورت گرفت؛ اما وضعیت ویژه آن‌ها، یعنی جوانی و سن کم و شهادت مظلومانه آن‌ها مقابل دانشگاه تهران، تأثیر عمیقی بر اعتراضات گذاشت و بر حجم و گستره آن‌ها افزود.»

وی می‌افزاید: «رژیم پهلوی و حامیان او بعد از این کشتار وحشیانه به این نتیجه رسیدند که سیاست مشت آهنین قادر نیست مردم را از جبهه مبارزه خارج کند.»

شد و آمریکایی‌ها نتوانستند در ایران بعد از پیروزی انقلاب، دوام بیاورند؟

جواد منصوری دلایل متعددی را برای بروز این وضعیت بیان می‌کند.

وی می‌گوید: «در سال ۱۳۵۸ و ماه‌های منتهی به تسخیر لانه جاسوسی، سفارت آمریکا علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی به شدت فعال شد؛ جریان تجزیه‌طلبی را فعال کردند و قرار بر این بود که ایران، به هشت قسمت تجزیه شود. از آن طرف دولتی امور کشور را به دست داشت که اصولاً به انقلاب اسلامی اعتقاد جدی نداشت.

به نظر من، اگر به عملکرد ۹ ماهه آن نگاه کنیم، می‌بینیم که آشکارا با نهادهای وابسته به انقلاب هم مخالفت می‌کند.»

مسعود رضایی در این باره به وجود «پلان دوم» معتقد است؛ او می‌گوید: «وقتی آمریکا نتوانست رژیم پهلوی را حفظ کند و با حقیقت سقوط آن مواجه شد، پلان یا نقشه دوم خود را اجرایی کرد و آن، ارتباط برقرار کردن با افرادی در حاکمیت جدید بود تا بتواند از طریق آن‌ها، نفوذ و منافع خود را در ایران حفظ کند.

یکی از مهم‌ترین این افراد، مرحوم مهندس مهدی بازرگان بود که ریاست دولت موقت را هم برعهده داشت.

او و طیفی از همفکرانش، اگرچه افرادی مسلمان و دارای سوابق مبارزاتی و حتی زندان در دوره پهلوی بودند، اما به مسئله ارتباط با آمریکا، نگاه متفاوتی نسبت به

دیدگاه امام (ره) و مردم ایران داشتند. باور آن‌ها این بود که می‌توانند با آمریکا ارتباطی سالم داشته باشند.»

از رضایی می‌پرسیم که دلیل و ریشه این باور چه بود؟ او پاسخ می‌دهد: «به نظر من این رویکرد، ریشه در فقدان شناخت دقیق و درست از دولت آمریکا داشت.

این باور چنان در آن‌ها نهادینه بود که حتی تا چندماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دفتر مستشاری آمریکا را در ارتش، برقرار نگه داشتند و تا زمانی که با اعتراض آیت‌ا... خامنه‌ای و دکتر چمران، ناچار به بستن این دفتر و خواستن عذر مستشاران آمریکایی نشدند، این‌ها همچنان در بدنه ارتش حضور داشتند و فعال بودند.

به اعتقاد من، مرحوم بازرگان گرفتار یک خوش بینی ساده لوحانه نسبت به آمریکا بود.

این وضعیت دست آمریکایی‌ها را برای اجرای برنامه‌های براندازانه در بسیاری از بخش‌های کشور بازگذاشت و وقتی از آن طرف محدود شدند، از جای دیگری فعالیت خود را پی گرفتند.»

احتمالاً اشاره دکتر رضایی به اقداماتی نظیر حمایت از تجزیه‌طلبان از سوی سفارت آمریکاست که جواد منصوری به آن اشاره کرد.

رضایی تصریح می‌کند: «آمریکایی‌ها با توجه به ضربه‌ای که خوردند، آشکارا به دنبال ضربه زدن بودند؛ از گروه‌های ضدانقلاب حمایت می‌کردند و زمینه حضور نیروهای معاند در مرزهای جمهوری اسلامی ایران، توسط آن‌ها فراهم شد.»

تأثیر تسخیر لانه جاسوسی

سوال بعدی و شاید سوال اصلی ما این باشد که تسخیر لانه جاسوسی چه تأثیری بر این روند گذاشت؟

سازش و پذیرش ذلت نیستیم. در آن مقطع، این اقدام، چنین پیامی را به سراسر دنیا مخابره می‌کرد.»

خاطره‌ای از آن روز پرتلهاب

جواد منصوری که در آن روزها، مسئولیت حساس فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برعهده داشته‌است، خاطرات کمترشنیده شده‌ای را هم برای ما، درباره واقعه تسخیر لانه جاسوسی نقل می‌کند.

وی می‌گوید: «من از قبل و به واسطه ارتباط با دانشجویان و فعالان انقلاب، در جریان این اقدام قرار داشتم.

روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸، بسیار نگران عاقبت ماجرا بودم، چون اگر کار به خوبی انجام نمی‌شد، معلوم نبود چه پیامدهایی داشته‌باشد.

در آن لحظات پرتلهاب، من در ستاد مرکزی سپاه حاضر شدم و لحظه به لحظه در جریان ماقع قرار می‌گرفتم.

وقتی دانشجویان وارد سفارت شدند و کار به خوبی پایان یافت، انگار باری را از روی دوشم برداشته بودند.

بیشتر نگران این بودم که مأموران آمریکایی و مسلح سفارت، دست به تیراندازی بزنند؛ اما آن‌ها جرئت نکرده بودند این کار را انجام بدهند.

دقایقی بعد از انتشار خبر، چند نفر از مقامات دولت موقت با من تماس گرفتند؛ لحن آن‌ها اصلاً دوستانه نبود؛ به شدت معترض بودند و می‌خواستند که من بچه‌های سپاه را بفرستم تا دانشجویها را از سفارت بیرون کنند.

مسعود رضایی در پاسخ به این سوال می‌گوید: «تسخیر لانه جاسوسی، تمام برنامه‌های ضدایرانی آمریکایی‌ها را به هم ریخت و مرکزیتی را که می‌توانست حتی محور شکل‌گیری یک کودتا باشد، از بین برد.

تسخیر لانه جاسوسی فعالیت جریان برانداز را که با حمایت و برنامه‌ریزی آمریکایی‌ها دست به اقدامات خرابکارانه و ضدملی می‌زد، با چالش جدی روبه‌رو کرد.

دلیل حمایت حضرت امام (ره) از این اقدام نیز، همین بود.» جواد منصوری در این باره توضیحات بیشتری می‌دهد.

او می‌گوید: «اخیراً یک پژوهشگر آمریکایی، ضمن بررسی تحولات قرن بیستم، انقلاب اسلامی ایران و تسخیر لانه جاسوسی را سرآغاز یک دوران جدید در تاریخ معاصر دانسته‌است. به نظر من این تحلیل درستی است.

تسخیر لانه جاسوسی، اقدامی نبود که فقط در راستای اعتراض به برخی سیاست‌ها انجام گرفته‌باشد.

این اقدام، اعتراضی صریح و بی‌واهمه به ساختار سلطه بین‌المللی و تفکرات استعماری آن بود.

ما با این اقدام نشان دادیم و به همه دنیا اعلام کردیم که برای خوشایند هیچ قدرت استعماری، حاضر به

آمریکایی در ایران و مصونیت قضایی آنها بود - تبعید شدند؛ پس قضیه مربوط شد به آمریکا. در سال ۵۷ رژیم وابسته‌ی به آمریکا در خیابانهای تهران دانش‌آموزان را به قتل رساند و آسفالت خیابانهای تهران به خون نوجوانان ما رنگین شد، برای دفاع از رژیم وابسته‌ی به آمریکا؛ این هم مربوط شد به آمریکا. در سال ۵۸ ضربت متقابل بود؛ یعنی جوانان شجاع و مؤمن دانشجوی ما به سفارت آمریکا حمله کردند و حقیقت و هویت این سفارت را که عبارت بود از لانه‌ی جاسوسی کشف کردند و در مقابل چشم مردم دنیا گذاشتند. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان/آبان ۱۳۹۲

آمریکا در ایران دوران پهلوی، فرعونیت می‌کرد

آمریکا در کشور ما فرعونیت می‌کرد، مثل فرعون: *يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ*؛ (۱) با مردم ما این جور رفتار می‌کردند؛ موسای زمان آمد، تخت و بخت این فرعون و دنباله‌روهای او را واژگون کرد و از بین برد؛ انقلاب این است. یک سال و دو ماه بعد از همین حادثه‌ی شهریور - یعنی در آبان ۱۳۵۸ - جوانان امام بزرگوار ما، جوانان پیرو خط امام، رفتند این جاسوس‌خانه‌ی آمریکا را فتح کردند؛ آمریکایی‌ها را دست بسته و چشم بسته اسیر خودشان کردند؛ موسی این دفعه فرعون را این جور شکست داد. حالا بعضی می‌گویند چرا آمریکایی‌ها با ایران بدند؟ خب علتش همین است؛ ایران یکسره در مشت آمریکا بود، در دست آمریکا بود؛ همه‌ی اجزای اصلی وجود کشور با اراده‌ی آمریکایی‌ها حرکت می‌کرد؛ امام آمد و به وسیله‌ی این مردم، آمریکا را از این مملکت بیرون کرد؛ باید هم دشمن باشند، باید هم دشمنی بکنند؛ و دارند می‌کنند، همین حالا دارند دشمنی می‌کنند. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم/ شهریور ۱۳۹۴

گفتم: این کار را نمی‌کنم، اگر می‌خواهید به شهربانی بگویید این کار را انجام دهد.

فردی که تماس گرفته بود، گفت: شما می‌دانید که شهربانی نمی‌تواند با مردم طرف شود! گفتم: وقتی شهربانی نمی‌تواند، سپاه می‌تواند؟!

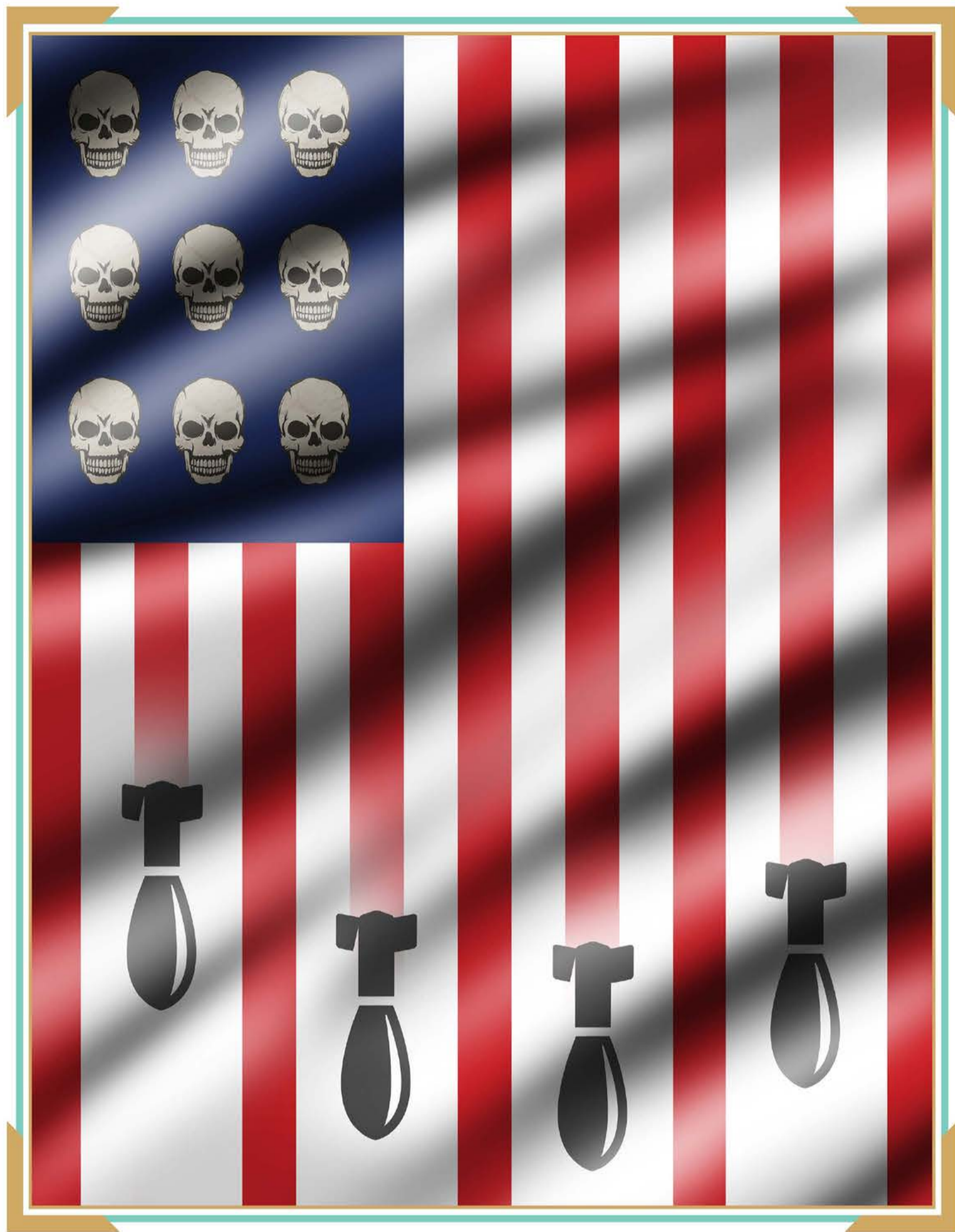
وقتی دیدند نتیجه نمی‌گیرند، اعتراضشان را نزد امام (ره) برده بودند که بله! سپاه با ما همکاری نکرده است! امام (ره) هم اعتنایی به حرف آن‌ها نکردند و به حمایت از اقدام دانشجویان پرداختند.»

گزیده ای از فرمایشات مقام معظم رهبری علیه السلام در خصوص ۱۳ آبان

شخصیت‌های بزرگ نظام در مناسبت‌های مختلف با بیان ویژگی‌ها و دستاوردهای این روز یادآور توانمندی و قدرت ملت ایران در مقابل قدرت‌های بزرگ دنیا شده‌اند. رهبر معظم انقلاب نیز در دیدارها و بیانات مختلفی به بیان اهمیت این روز پرداخته‌اند که گزیده‌ای از سخنان ایشان در این رابطه را در متن زیر می‌خوانید:

تاریخچه حوادث ۱۳ آبان

سه حادثه است [که در طول سالهای گوناگون - پیش از انقلاب و پس از پیروزی انقلاب - در سیزده آبان اتفاق افتاده است]: حادثه‌ی تبعید امام در سال ۴۳، حادثه‌ی کشتار بی‌رحمانه‌ی دانش‌آموزان در تهران در سال ۵۷، و حادثه‌ی حرکت شجاعانه‌ی دانشجویان در تسخیر لانه‌ی جاسوسی در سال ۵۸؛ هر سه حادثه به نحوی مربوط میشود به دولت ایالات متحده‌ی آمریکا. در سال ۴۳ امام علیه السلام به خاطر اعتراض علیه کاپیتولاسیون - که به معنای حفظ امنیت مأموران



مرگ بر آمریکا

این شعار «مرگ بر آمریکا»ی شما، دارای یک پشتوانه و عقبه‌ی منطقی و قوی است. معلوم هم هست که مراد از «مرگ بر آمریکا»، مرگ بر ملت آمریکا نیست، یعنی مرگ بر سیاستهای آمریکا، مرگ بر استکبار؛ معنایش این است.